

دبیلمات‌ها

خاطرات شفاهی وزارت امور خارجه خاطره ۲ دهه رابطه با عربستان

تدوین: حسن علی بخشی

نقش منافقین در حج خونین ۱۳۶۶

مراسم برانث از مشرکین در یک کشور خارجی شکل می‌گرفت و در کشوری رقیب یا خصم برگزار می‌شد که حکومت آن به آمریکا وابسته بود. آمریکا از برگزاری این مراسم راضی نبود؛ زیرا باعث بیداری مسلمان می‌شد و به دولت سعودی فشار می‌آورد. همچنین این مراسم در کشوری برگزار می‌شد که ملیت‌های مختلف در آنجا حضور داشتند و امکان سوءاستفاده برای هرکسی فراهم بود. بنابراین کنترل همهٔ عناصر و عوامل تأثیرگذار در خارج از کشور از طرف مسئولان آن ممکن نبود. مسئولان برگزاری مراسم برانث شدیداً سعی در کنترل شعارها و مسیرهای حرکت داشتند؛ حتی از قبل به دولت عربستان می‌گفتند که از فلان نقطه تا فلان نقطه حرکت می‌کنیم؛ یا وارد حرم نمی‌شویم. پلاکاردا در پایان مراسم جمع می‌شد، مراسم با فاصله معقولی از ورودی بیت‌الحرام به پایان می‌رسید و زائران ایرانی به خیل نمازگزاران می‌پیوستند. اما در حج سال ۱۳۶۶ شیطنت و خیانتی اتفاق افتاد و آن حادثهٔ ناگوار در حرم امن رقص زد.مرحوم عزت‌الله سبحانی که جزء جریان‌های ملی‌مذهبی بود و به دلیل سابقه طولانی در مبارزت ضد شاه، روابط خیلی خوبی با مجاهدین خلق داشت البته او با جبهه ملی، طیف روحانیت و دیگران نیز روابط حسنه‌ای داشت و این رابطه را تا آخر حفظ کرد. در کتاب خاطراتش درباره حج خونین به نکته مهمی اشاره می‌کند. او به نقل از دوستش که یکی از اعضای مجاهدین خلق بوده، گفته است: «شخصی به نام عباس… (به فامیلی‌اش اشاره نمی‌کند) در انتهای مراسم به پلی می‌رسد که پلیس در آنجا مستقر بوده است، او به سمت پلیس تیراندازی می‌کند و پلیس هم به جمعیت عکس‌العمل نشان می‌دهد و با تیراندازی‌های بی‌دری، تعداد بیشتری کشته می‌شوند.»سجانی ذکر می‌کند که در گفت‌وگو با افراد زیادی در این خصوص، یقین حاصل کرد ابتدا این اقدام از طرف مجاهدین خلق صورت گرفته است، او این عمل مجاهدین خلق را تقیب می‌کند و می‌گوید آنان نباید مشکل خود با حکومت ایران را به دستاویزی تبدیل کنند تا ملت ایران در خارج از کشور در چنین محصمه‌ای بیفتد و منجر به کشته‌شدن تعداد زیادی از آنها شوند. [۱]

سفر مرحوم آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی

مرحوم هاشمی در سال ۱۳۷۸ در جایگاه رئیس شورای تشخیص مصلحت نظام به عربستان سفر و در آنجا از ایشان در حد یک رئیس‌جمهور استقبال کردند. حتی در صبح پیامبر(ص) را باز کردند تا در آنجا نماز بخواند. سپس ایشان را به مناطق نسبتاً ممنوعه یا دورافتاده‌ای مثل مدائن صالح، منطقه خیبر، فدک و … بردند که هیچ‌کس به آنجا رفت‌وآمد نمی‌کرد.کار دیگر اینکه قبل از برپایی نماز جمعه، قبرستان بقیع را در ساعتی غیرمعمول برای هیئت ائمه کرامت باز کردند و ما به زیارت آنمه بقیع(ع) رفتیم. حتی خانم‌های همراه آقای هاشمی هم می‌خواستند وارد بقیع شوند، ولی مأموران سعودی مانع شدند. خانم‌ها دراین‌باره اصرار کردند.مسئولان عربستانی هرچه توجیه کردند که نمی‌شود و انعکاس خوبی ندارد، اما آقای هاشمی گفتند انجام این کار از نظر حقه ما مشکلی ندارد. بنابراین آنها با دفتر شاهزاده عبدالله تماس گرفتند و بالاخره دستور صادر شد که خانم‌ها هم بیایند (در فقه اهل سنت، به‌خصوص حنبلی‌ها و وهابی‌ها، ورود خانم‌ها به قبرستان‌ها جایز نیست).به نظر حضور هیئت ایرانی در قبرستان بقیع روی شیوخ متعصب و تندرو وهابی مدینه اثر گذاشت و آنها به شیخ علی‌عبدالرحمن حذیفی، پیش‌نماز مسجدالنبی(ص)، فشار آورده بودند که لاقال او کاری کند. به همین خاطر آن اتفاق ناخوشایند افتاد و زمانی‌که هیئت ایرانی بعد از زیارت قبرستان بقیع در نماز جمعه شرکت کردند، حذیفی در حضور هیئت ایرانی به مذهب تشیع و کشورمان توهین کرد.به همین خاطر آقای هاشمی و هیئت همراه مسجد را ترک کردند. خبر فوراً به شاهزاده عبدالله رسید و او نیز بلافاصله دستور برکناری شیخ حذیفی را از امامت جمعه مسجدالنبی صادر کرد و تا چند سال حق سخنرانی را نیز به او ندادند. البته این اقدام مهم فقط به احترام آقای هاشمی انجام شد. در واقع سمت رابطه آقای هاشمی با شاهزاده عبدالله به حدی بود که می‌توانست مسائل فقهی شیوخ وهابی را هم حل کند.خوشبختانه بعد از این سفر، حضور زائران ایرانی و خارجی بعد از نماز ظهر و صبح در قبرستان بقیع مرسوم شد و زوار توانستند از معنویت آنمه بقیع(ع) و اوضاع رسول(ع) در این قبرستان بهره‌مند شوند؛ موضوعی که قبل از آن یک تابو بود.

منبع:خاطرات‌صباح‌زنگنه

۱[۱]. کتاب نیم‌قرن خاطره، عزت‌الله سبحانی، جلد دوم، چاپ خوارن، پاریس، سال ۱۳۹۲، ص ۱۸۲، حادثه مکه. در این کتاب آمده است: «یکی از اعضای مجاهدین آقای عباس…، با لباس احرام در میان تظاهرکنندگان بوده و هنگامی که جمعیت روی پل معروف به «هجوم» (حجون) می‌رسند، گلوله‌ای به طرف پلیس شلیک می‌کند. پلیس عربستان هم که در حال آماده‌باش بود، به طرف جمعیت حمله می‌کند.»

رئیس اداره تاریخ شفاهی

جواد ظریف برای دومین بار در هفته گذشته از سفری که پنج سال پیش قرار بود به ریاض انجام شود، صحبت کرده است. ریاض اعلام کرد که پادشاه در استراحت است و آن سفر انجام نشد. درحالی‌که همه سفرهای جواد ظریف در آن دوران در منطقه با ملاقات با عالی‌ترین مقام میزبان برنامه‌ریزی می‌شد. درحالی‌که بعد از آن هم جواد ظریف برای حضور در مراسم ترحیم پادشاه عربستان به ریاض سفر کرد؛ اما ملاقات او در قلمت وزیر خارجه و برای انجام گفت‌وگوهای دیپلماتیک هیچ‌گاه به شبه‌جزیره عربستان انجام نشد. حتی در یکی از جلسات سازمان کنفرانس اسلامی در جده که ریاض از تهران دعوت کرده بود، به دلیل مشغله آن روزهای ظریف به واسطه انجام مذاکرات هسته‌ای، معاون عربی او حاضر شد.
باین‌حال روایت آن ملاقات انجام‌نشدۀ جالب است. حسین امیرعبداللّه‌یان، معاون سابق وزیر خارجه در حوزه کشورهای عربی و آفریقایی، درباره سفر انجام‌نشدۀ جواد ظریف به عربستان به «شرق» توضیح داد. او گفت: «همان پنج سال پیش قرار بود آقای ظریف

دیپلماسی

روایت امیرعبداللّه‌یان از یک سفر انجام نشده

چرا ظریف به عربستان نرفت؟

به عربستان سفر کند و من برای هماهنگی انجام این سفر و برنامه‌ریزی ملاقات‌ها به ریاض سفر کردم؛ مطابق همه سفرها که قبل از انجام سفر بر سر موضوعات و ملاقات‌ها توافق می‌شود.تلاش ایران این بود که فصل جدید روابط را با عربستان آغاز کنیم. ازاین‌رو تهران ایده‌هایی داشت و ابتکاراتی در جلسات با دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی و دبیرخانه چند کمیته اقتصادی، امنیتی و کنسولی اندیشیده شده بود تا بر سر برخی سوءتفاهم‌ها بحث شود و مکانیسم رفع آنها طراحی شود.»امیرعبداللّه‌یان در ادامه، برنامه‌ریزی برای آن ملاقات را این‌گونه توضیح داد: «من با آقای سعود الفیصل، وزیر خارجه وقت عربستان، ملاقات کردم و طرح و برنامه خودمان را برای انجام سفر با او در میان گذاشتم؛ اما آقای سعود الفیصل به من گفت که ما یک کشور پادشاهی هستیم و برای رفع یک مسئله نیازی به تشکیل کمیته نداریم. هر وقت که تصمیم بگیریم روابطمان با یک کشور بهبود یابد، صفحه سیاه رابطه را ورق می‌زنیم و رابطه دوستی با آن کشور برقرار می‌کنیم. نیازی به کمیته و اسناد توافق نداریم.»معاون سابق وزیر

ظریف در گفت‌وگو با الفرات:

استعفایم ربطی به سفر «اسد» نداشت

بهتر از من کار را انجام دهند، در آن مراحل با گفت‌وگو موضوع حل شد، این بار هم با اقدامات عملی موضوع حل شد. وزیر امور خارجه ایران با بیان اینکه ما در اجرای سیاست خارجی که توسط مجموعه کشور تصمیم‌گیری می‌شود و همه مقامات در آن شرکت می‌کنند مشکلی نداریم، عنوان کرد: برخی اوقات ناهماهنگی‌هایی پیش می‌آید یا سلاقی وارد قضیه می‌شود که باید آنها را اصلاح کرد. قانون اساسی ما کاملاً مشخص است. در قانون اساسی مسئولیت سیاست‌سازی با دستگاه‌های مختلف من‌جمله وزارت امور خارجه است. در حوزه‌هایی که سیاست کلی نظام است، این سیاست‌ها باید در شورای‌عالی امنیت ملی تدوین شود و به تصویب رهبری برسد. از نظر قانون اساسی ایران خطوط کلی سیاست خارجی را رهبری تعیین می‌کنند و اجرای سیاست خارجی قطعاً با وزارت امور خارجه است.

ارتباط استعفا با سفر بنشار اسد به ایران

اصلاً به این موضوع ربطی نداشت. من چند هفته پیش سوریه بودم و با آقای بنشار اسد ملاقات کردم چند هفته پیش آقای ولید معلم در ایران بودند و با ایشان

باید گذشته را جبران کنیم

آ با توجه به چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، نقش و جایگاه اقلیت‌های دینی و مذهبی در تحقق این هدف مقدس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این سؤال بسیار بجایی است که نیاز به تشریح مناسب دارد. اقلیت‌ها در ایران، هم در طول انقلاب و هم در دوره جنگ تحمیلی، عملکرد درخشانی داشتند. میزان هماهنگی و همکاری آنها با نظام در مقایسه با هر جای دیگر، بهترین است. صرف‌نظر از یک سری تبلیغات و شیطنت‌هایی که این‌سو و آن‌سو صورت می‌گیرد، آنچه امروز در عمل می‌بینیم، یک همکاری و هماهنگی منسجم میان اقلیت و اقلیت است و هیچ دشمنی میان مردم وجود ندارد؛ همه مسئولان از رهبری گرفته که بیش از هر مقامی بر وحدت و انسجام تأکید دارند تا رئیس‌جمهور که با شعار حقوق شهروندی آمد و در نهایت، مجلس شورای اسلامی که همه اقلیت‌های دینی، مذهبی و قومی در آن مشارکت دارند، در خدمت مردم هستند.

به عبارتی مجلس، نماد وحدت جامعه است. در این نهاد مهم، یهودی، مسیحی(ارمنی و آشوری)، اهل سنت و همه اقوام (اعم از ترک، کرد، لر، بلوچ، ترکمن و…) در کنار یکدیگر کار می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران، مدافع اصلی اقوام بوده و در ارائه خدمات برای آنها اولویت قائل است. همچنین برای دفاع از حقوقشان هزینه سنگینی را در خارج از کشور می‌پردازد. در خیلی موارد نیز دفاع لفظی است که دیگران به شکل دیگری از آن تعبیر می‌کنند. آنچه در انقلاب، جنگ تحمیلی و دیگر مسائل اتفاق افتاده، نمایانگر همکاری متقابل اکثریت با اقلیت است. گذریم از تبلیغات دروغی که برخی فرغضان راه انداخته‌اند ولی واقعیت، همین پرونده همکاری قابل‌قبول است. باین‌حال ما اعتراف می‌کنیم که حس تبعیض و در مواردی تبعیض نیز وجود دارد اما سیاست جمهوری اسلامی بر رفع این تبعیض‌ها متمرکز است. برای نمونه، اکنون تعداد دانشجویان استان سیستان وبلوچستان به‌عنوان محروم‌ترین استان کشور، بیش از میزان موجود تمام دانشجویان در دوره پهلوی است. در گذشته، ناچار بودیم برای تصدی پست‌های چون فرمانداری، استانداری و… از دیگر نقاط ایران به این منطقه، نیرو اعزام کنیم اما امروز، نیروهای تربیت‌شده بومی برای اداره این استان و حتی نقاط دیگر به قدر کافی وجود دارد.

به اعتقاد من، انتقاد به جمهوری اسلامی درخصوص کمکاری در این زمینه، جفايي آشکار است. جمهوری اسلامی در این ۴۰ سال، خدمات زیادی به اقلیت‌ها ارائه کرده و اگر هم مسائلی وجود دارد از اقدامات گروه‌ها و اقلیت‌های قهرقهرستیز، اقلیت‌ستیز، نشت گرفته و مشکل از پادشاهی متولی نیست. درواقع، این تعصبات است که مشکل ایجاد می‌کند وگرنه، نه مردم با یکدیگر مشکلی دارند و نه دولت و نظام با آنها. در عین حال، با همین وضعیت موجود نیز در قیاس با کشورهای اطراف از جمله عراق، پاکستان و…، ما بهترین شرایط را داریم.

آ درباره عملکرد و میزان موفقیت مجموعه دستیار ویژه ریاست‌جمهوری توضیح دهید.گاه برخی اقلیت‌ها با اقدامات این مجموعه گله‌مند بوده‌اند، مثل مطلبی که در سال‌های گذشته در «امرداد» نوشته شد یا نطق انتقادی‌ای که نمایندگان در دوره قبلی در مجلس ایراد کردند.

این مطلب، بحث مفصلی است و مجالی مجزا می‌طلبد. یکی از ابتکارات دولت یازدهم و دوازدهم آقای دکتر «روحانی»، ایجاد این نهاد با هدف دفاع از حقوق اقلیت‌ها به صورت خاص است. اولاً، شاید یک غیر ما در حاضر نبود این مسئولیت را بپذیرد، چراکه همت می‌دادند (این سمت تا حد چندان است مشکل و مخاطره‌آمیز باشد. من این مسئولیت را قبول کردم، چون این مشکل را از قبل و زمان تصدی وزارت اطلاعات، احساس کرده بودم. از

خارجه در حوزه کشورهای عربی در ادامه درباره این ملاقات توضیح داد «قرار بود آن ملاقات در زمانی خیلی نزدیک انجام شود؛ اما خبر انجام آن سفر قرار بود در چند روز آینده به تهران اعلام شود. اطلاعاتی که ریاض به تهران داد، این‌گونه بود که ملک در آن زمان در پایتخت نیست و برای استراحت از پایتخت خارج شده است. تأکید دولت و وزیر خارجه ایران این بود که حتماً با پادشاه ملاقات انجام شود؛ اما با توجه به اطلاع ریاض درباره حضورنداشتن پادشاه، تهران تصمیم گرفت بار دیگر این سفر را بررسی و دوباره درباره آن برنامه‌ریزی کند. سعود الفیصل در نیویورک و در حاشیه مجمع عمومی آن سال با وزیر خارجه ایران ملاقات کرد و با وجود فضای مثبتی که در دیدار حاکم بود، در نشست خبری بعد از ملاقات، حرف‌های غیرمنطقی و اتهاماتی علیه ایران مطرح کرد که به‌شدت موجب تعجب و واکنش ما شد. با توجه به این ادعاها و فضای نامناسبی که بار دیگر بین دو کشور ایجاد شد، معلوم بود که سعودی‌ها تمایلی به انجام این ملاقات ندارند و عملاً موجب لغو این سفر شدند.»

هروقت آنها آمادگی داشته باشند، ایران را آماده در میدان خواهند دید.

کیسینجر که اورا مخالف محترم خطاب کرده بود
من در زمانی‌که در سازمان ملل متحد در نیویورک سفیر بودم، با جامعه اکادمیک آمریکا ارتباطات زیادی داشتم. بحث‌هایی هم در این دیدارها بین من و آقای کیسینجر وجود داشت و وقتی از نیویورک برمی‌گشتم، کتابی را به من مدیه داد که در ابتدای آن با یادداشتی آن را به مخالف محترم خود (ظریف) اهدا کرده بود.

می‌توان ظریف را کیسینجر ایران دانست؟
من برای خودم حساب خاصی باز نکرده‌ام.

خاطره ظریف از مقام معظم رهبری
نکته بسیار مهمی که درباره مقام معظم رهبری هست، آمادگی ایشان برای شنیدن نظر مخالف است، ایشان آمادگی دارند علیرغم برنامه سنگین کاری دیدگاه‌ها را هم بشنوند و هم بخوانند. وقتی من به‌عنوان سفیر به نیویورک می‌رفتم و این را در کتاب آقای سفیر نوشته‌ام، ایشان به من فرمودند که وقتی به نیویورک می‌روی موظفی دیدگاه‌هایت را برای من بفرستی، حتی اگر میدانی این دیدگاه‌ها مخالف دیدگاه‌های من است. اگر من قانع بشوم دیدگاهم را عوض می‌کنم اگر قانع نشوم در دیدگاه خودم محکّمتر می‌شوم. من این را در بین مقامات ارشد هم دنیا بسیار حرکت نادری می‌بینم.

طرفی، تحصیلات دانشگاهی‌ام در همین جهت بود و همه مطالعات جانبی و تحقیقات خود را نیز به این سمت سوق دادم.
عربستان، بنده این ضرورت را آن موقع احساس کردم که پایداری وحدت ملی، مستلزم تقویت مبانی و مؤلفه‌های اساسی اجتماعی و ملی از یک‌سو و مقابله با عوامل تهدیدکننده وحدت اجتماعی، از سوی دیگر است. در سداد انتخابات آقای دکتر روحانی هم مسئولیت صحبت با اقوام مختلف ایرانی را بر عهده گرفتم. البته آن زمان، مشکلات و موانعی وجود داشت اما چون از من شناخت‌ها مثبتی داشتند - زمانی که دیدگاه‌های اقلیت‌های دینی و فرقه‌ها، بلافاصله استقبال کردند - مدتی که نهاد‌های دیگر وزارت اطلاعات را برعهده داشتم، بسیاری از مشکلات آنها را حل کردیم و این باور در آنها ایجاد شد که ما آنها را قبول داریم؛ این امر خیلی مهم است. پس از انتخابات نیز برخلاف پیش‌بینی‌ها، آقای روحانی این مسئولیت را به بنده سپردند و فکر می‌کنم در وظیفه‌ای که بر عهده دارم و کاری که باید انجام می‌دادم، موفق بوده‌ام. برای بررسی این موفقیت، کافی است از نخبگان اقلیت‌ها نظرسنجی داشته باشید، ممکن است انتقاداتی به نهاد‌های دیگر داشته باشند اما نسبت به این بخش و کارکرد آن نظر مثبتی دارند. در انتخابات دور دوم کاندیداتوری آقای روحانی نیز مسئله به بهترین شکل نمود یافت، به‌طوری‌که مردم کرد، بلوچ و بیروان اقوام و مذاهب، بیشترین رأی را به ایشان دادند. به تعبیری، پیروزی قاطع آقای روحانی، م‌رهون همین مسئله بود. من چهار سال با آنها در ارتباط بودم، سخنانشان و دردلد‌هایشان را می‌شنیدم و از آنها نمی‌دانید می‌کردند.

بیش از هر چیز، ما سعی کردیم از نظر گفت‌ومانی و نظری، کار کنیم و این گفت‌مان به نام «انسجام ملی»، زنده شده است. همه اقوام و اقلیت‌ها از نظر حقوق شهروندی، مساوی‌اند و هیچ‌کس به خاطر انتساب به یک دین، قوم یا مذهب، نباید از هیچ حق اجتماعی، محروم باشد.
ما این مقوله را در سطح گفت‌ومانی ترویج کرده و به‌تدریج در جامعه جا انداخته‌ایم که به نظر من، موفقیت‌بزرگی برای مردم ایران محسوب می‌شود. پیش‌تر، اصلاً این‌گونه بحث‌ها مطرح نبود، اما اکنون جا افتاده، به گونه‌ای که مخالفان دولت و گفت‌مان هم از همین گفت‌مان استفاده می‌کنند، حتی کسانی که قبلاً نسبت به این مباحث، موضع انتقادی داشتند و می‌گفتند «حرف‌های یونسی، اقوام را تحریک می‌کند، مطالباتشان را بالا می‌برد، آنها را مدعی می‌کند و…»، امروز همان حرف‌ها را با بیان می‌کنند و چه‌بسا پیشی هم گرفته‌اند؛ هدف ما نیز همین بود. دولت نیز در حد توان خود کوشیده که این زمینه اقدام کند. برای اولین‌بار، آقای رئیس‌جمهور به همه سازمان‌های دولتی دستور دادند در انتصابات، نسبت حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی رعایت شود. البته در برابر این مسئله، مقاومت زیادی وجود دارد، با این حال، دولت در سطح خود این کار را انجام داده و در خیلی موارد به آن عمل شده است. ما امیدواریم این کار ادامه پیدا کند تا هیچ فرد ایرانی به سبب پیروی از یک مذهب و دین یا انتساب به قومیتی خاص، احساس محرومیت و بی‌عدالتی نکند. همین رویکرد است که امنیت کشور را حفظ کرده و ما را از تجربه، اختلاف، جنگ و سوق به سمت گروه‌های افراطی حفظ می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره هود، آیه۲/۱۱، سوره هود، آیه۳/ ۱۱۸، سوره بقره، آیه۲۵۶/ ۴. سوره حجرات، آیه۱۴/ ۵. سوره حجرات، آیه۶/ ۱۴۸، سوره حجرات، آیه۱۳/ ۷. سوره احقرمان، آیه۲۴/ ۸. سوره بقره، آیه۱۴۸/ ۹. سوره حجرات، آیه۱۳/ ۱۰. سوره حجرات، آیه۱۳/ ۱۱. سوره قیش، آیه ۴۳/ ۱۲. سوره زمر، آیه۱۸/ ۱۳. حکمت ۱۶۳ نهج‌البلاغه

کوتاه دیپلماسی

حضور مؤسس بلک‌واتر در نشستی در برج ترامپ با موضوع ایران

● مؤسس شرکت امنیتی بلک‌واتر پذیرفت که دیدارش با اعضای کمیئن انتخاباتی دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ درباره سیاست ایران بوده است. به گزارش ایسنا، اریک پرینس، مؤسس شرکت امنیتی آمریکایی بلک‌واتر، در گفت‌وگو با شبکه الجزیره پذیرفت که در آگوست ۲۰۱۶، یعنی پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا در برج ترامپ با اعضای کمیئن انتخاباتی دونالد ترامپ، از جمله پسر ارشد ترامپ و با حضور یک کارشناس رسانه صهیونیستی و فرستاده دو شاهزاده از عربستان سعودی و امارات دیدار داشته است. او پس از اصرارهای خبرنگار الجزیره سراسرآنچام پذیرفت که برای گفت‌وگو درباره سیاست در قبال ایران به این نشست رفته بوده است. به گزارش الجزیره، همچنین جورج نادر، تاجر لبنانی – آمریکایی، استغان میلر که در آن زمان یک عضو ارشد کمیئن ترامپ بود و اکنون از مشاوران سیاسی نزدیک به ترامپ است و جو زامل که شرکت متعلق به او کارشناس صهیونیستی در حوزه رسانه و اطلاعات را استخدام می‌کرد، در این نشست حضور داشته‌اند. اریک پرینس پیش از این، حتی در جلسه کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۷ اطلاعاتی درباره این نشست فاش نکرده بود. بنابراین، این اولین‌باری است که او به‌طور علنی اذعان می‌کند که در این نشست که برای بررسی سیاست در قبال ایران بوده شرکت کرده است. گفته می‌شود پرینس در آن زمان به‌دنبال پیشبرد طرحی برای بی‌ثبات‌کردن ایران از طریق استفاده از پیمانکاران نظامی خصوصی بوده است.

تحلیل پولیتیکو‌از فشار آمریکا به ایران و ونزوئلا تغییر حکومت در ایران و ونزوئلا ناکام می‌ماند

● نشریه پولیتیکو در تحلیلی به بررسی تلاش‌های کارشناسان آمریکا برای تغییر حکومت در ونزوئلا و ایران پرداخته و تشریح کرده که این تلاش‌ها ساده‌انگارانه بوده و موفقیت‌آمیز نیستند. به گزارش ایسنا، پولیتیکو نوشت:دولت دونالد ترامپ، ایران و ونزوئلا را محکوم می‌کند و تحریم‌های سنگینی بر این دو کشور اعمال کرده است؛ اما به نظر می‌رسد هر دو این کشور‌ها به ضد آمریکایی» در ادامه کار خود ثابت‌قدم هستند. به گزارش ایسنا، همین ماه گذشته بود که بعد از بالاگرفتن تنش‌ها در ونزوئلا، مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، گفت این کشور «به‌زودی» از «حکومت ستمگرانه» نیکولاس مادورو رهایی خواهد یافت. با وجود این هفته گذشته پنس اعتراف کرد آمریکا هیچ پایه زمانی‌ای برای کناررفتن مادورو از قدرت ندارد.مقامات دولتی ترامپ، سال گذشته امیدوار بودند که برخی اعتراض‌های خیابانی در ایران ممکن است نشان‌دهنده یک اعتراض جمعی علیه دولت ایران باشد. جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا، به‌تازگی مقامات ایرانی را در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران خطاب قرار داده و مدعی شد: «فکر نمی‌کنم سالگردهای بیشتری باقی ملاحظات نشان می‌دهد که حکومت ایران کنترل اوضاع را به دست دارد.دولت ترامپ، تحریم‌های سنگینی بر ایران و ونزوئلا اعمال کرده و امیدوار است از این طریق حکومت‌های ضد آمریکایی این دو کشور را تغییر دهد، اما دونالد ترامپ و مشاوران او در حال پی‌بردن به این موضوع هستند که در هر دو این موارد، سخن به‌یمن‌آوردن از تغییر حکومت به‌ویژه با استفاده از روش‌های اقتصادی، ساده‌انگارانه بوده و دستیابی به آن سخت است.دولت ترامپ درباره ایران اصرار دارد که به‌دنبال تغییر حکومت نبوده و بیشتر در پی «تغییر رفتار حکومت ایران» است؛ اما درخواست کاخ سفید از تهران که در ۱۲ شرط خلاصه شده، آن‌قدر گسترده است که تحلیلگران معتقدند یک اخطار تغییر حکومت است.

باین‌حال دست‌کم، یک تفاوت مهم در کمپین آمریکایی علیه ایران و ونزوئلا وجود دارد: آمریکا حمایت بین‌المللی قابل توجهی در راستای تلاش برای برکنارکردن مادورو دارد؛ اما درباره اقدامات ضد ایرانی، آمریکا خود را تا حد زیادی حتی در میان متحدان خود، منزوی کرده است.

مادورو به‌دلیل برخی ناکارآمدی‌ها محبوبیت داخلی و بین‌المللی ندارد، اما در مقابل بسیاری از متحدان آمریکا از کمیئن ضد ایرانی ترامپ حمایت نمی‌کنند. درحالی‌که همین حکومت‌های خارجی از ایران دل خوشی ندارند و نگرانی‌هایی درباره رفتارهای نظامی آن دارند؛ اما معتقدند تصمیم ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران یک اشتباه دیپلماتیک و یک اشتباه محاسباتی استراتژیک بوده که آنها را در خطر بیشتری قرار داده است.

تحریم‌های ایران به‌خاطر تأثیر «ثانویه»شان، متحدان آمریکایی را برآشفته است؛ این تأثیرهای ثانویه به این معناست که قابل تحمیل به آن دسته از شرکت‌های خارجی است که با ایران تجارت می‌کنند. فرانسه، انگلیس و آلمان یک سازوکار مالی برای تجارت با ایران ایجاد کرده‌اند که به‌صورت نظری می‌توان برای دورزدن تحریم‌ها از آنها استفاده کرد.

معلوم نیست که خود ترامپ تا چه حد برای این کمپین علیه هرکدام از این کشورها مصوری کند. گفته می‌شود ترامپ به‌شدت از مادورو بیزار است، اما مایل است با ایرانی‌ها مذاکره کند.